



جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی با تأکید بر دیدگاه متفکران مسلمان

دکتر حفیظ‌الله فولادی

دکتر داود صفا



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۴۰۳

حفیظ‌الله فولادی - ۱۳۴۴

جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی با تأکید بر دیدگاه متفکران مسلمان / حفیظ‌الله فولادی، داود صفا. -- قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۳.

یازده، ۲۴۷ ص.: جدول. (پژوهشگاه: ۷۱۷؛ جامعه‌شناسی: ۵۴)

بها: ۱۹۸۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-505-7

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۲۴۱-۲۴۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. قشربندی اجتماعی، Social stratification، ۲. قشربندی اجتماعی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام، Social

Equality -- Religious aspects -- Islam، ۳. برابری (اسلام)، stratification -- Religious aspects -- Islam.

۴. دانشمندان اسلامی -- دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی، Muslim scientists -- Political and social views.

۵. صفا، داود، ۶. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

HT۶۰۹ ۳۰۵/۵

۹۵۷۴۸۲۳

شماره کتابشناسی ملی



جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی با تأکید بر دیدگاه متفکران مسلمان

مؤلفان: دکتر حفیظ‌الله فولادی (استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)، دکتر داود صفا (استادیار جامعه‌المصطفی العالمیه)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرا: اعظم یزدلی

چاپ اول: بهار ۱۴۰۳

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۹۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۵۰۵-۷

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۱۸۵ ۳-۳۱۵۱

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲، تلفن: ۰۲۵-۸۴۲۶۳۵ ۳-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی، ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۱۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع کمک درسی برای دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته های جامعه شناسی، علوم سیاسی و فلسفه علوم اجتماعی و نیز عموم علاقه مندان مباحث اجتماعی قابل استفاده است.

از استادان و پژوهشگران فرهیخته تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از زحمات مؤلفان محترم اثر، آقایان دکتر حفیظ الله فولادی و دکتر داود صفا و جناب آقای دکتر سیدسعید زاهد زاهدانی ناظر محترم طرح، برای نظارت محتوایی و نیز ارائه پیشنهادهای اصلاحی در جهت تکمیل محتوای این اثر قدردانی کند.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
فصل اول: کلیات	۳
۱. مقدمه و بیان مسئله	۳
۲. اهداف	۵
۳. اهمیت و ضرورت	۵
۴. پیشینه پژوهش	۶
۵. چارچوب مفهومی	۸
فصل دوم: مفاهیم اساسی	۱۳
۱. تعریف قشر بندی اجتماعی	۱۵
۱.۱. ویژگی های قشر بندی اجتماعی	۱۸
۲. مفهوم طبقه از نظر جامعه شناسان	۱۸
۳. نابرابری اجتماعی از نگاه جامعه شناسان	۲۱
۴. بنیان های نابرابری های اجتماعی	۲۲
۴.۲. شاخص های نابرابری اجتماعی از منظر اندیشمندان غربی	۲۶
۴.۲.۱. تعریف ثروت و نقش آن در نابرابری اجتماعی	۲۶
۴.۲.۲. تعریف قدرت و نقش آن در نابرابری اجتماعی	۲۷

۲. ۴. ۳. تعریف منزلت و نقش آن در نابرابری اجتماعی ۲۸
۲. ۵. پایگاه اجتماعی و انواع آن ۲۸
۲. ۶. کاست؛ شکلی خاص از طبقه‌بندی منزلتی اجتماعی ۳۱
۲. ۷. تحرک اجتماعی و انواع آن ۳۳
۲. ۷. ۱. عوامل مؤثر در تحرک اجتماعی ۳۵
۲. ۷. ۲. آثار و نتایج تحرک اجتماعی ۳۵

فصل سوم: قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی از دیدگاه متفکران مسلمان ۳۷

۳. ۱. قشربندی و نابرابری اجتماعی از منظر متفکران مسلمان متقدم: فارابی تا ابن‌خلدون ۳۷
۳. ۱. ۱. فارابی: نابرابری اجتماعی، بازتاب اقتدار و منزلت ۳۷
۳. ۱. ۲. ۱. عدالت، محور اصلی مدینه فاضله فارابی ۳۸
۳. ۱. ۲. ۲. قشربندی اجتماعی از منظر فارابی ۴۲
۳. ۱. ۲. ۳. معیارهای قشربندی از منظر فارابی ۴۶
۳. ۱. ۲. ۴. تحرک اجتماعی از منظر فارابی ۴۸
۳. ۱. ۲. ۵. اخوان‌الصفاء: نابرابری بر پایه تقسیم کار ۵۰
۳. ۱. ۲. ۶. عوامل قشربندی اجتماعی و طبقات از منظر اخوان‌الصفاء ۵۱
۳. ۱. ۲. ۷. فقر و فلسفه آن از منظر اخوان‌الصفاء ۵۴
۳. ۱. ۳. ابوریحان بیرونی: نابرابری، محصول دخالت قدرت ۵۵
۳. ۱. ۳. ۱. قشربندی و تحرک اجتماعی از نگاه بیرونی ۵۶
۳. ۱. ۳. ۲. تأثیر بیان و بلاغت در کسب منزلت‌های اجتماعی ۵۷
۳. ۱. ۳. ۳. طبقات اجتماعی هند به گزارش بیرونی ۵۷
۳. ۱. ۴. خواجه نصیرالدین طوسی: نابرابری، محصول تفاوت استعدادها و ۵۹
۳. ۱. ۴. ۱. عدالت از منظر خواجه نصیرالدین طوسی ۵۹
۳. ۱. ۴. ۲. قشربندی و طبقات اجتماعی از نگاه خواجه نصیر ۶۱

- ۳.۲.۴.۳. تحرک اجتماعی از منظر خواجه نصیر ۶۳
- ۳.۲.۴.۴. پیامدهای نابرابری و تضاد از نگاه خواجه نصیر ۶۳
- ۳.۱.۵. ابن خلدون: نابرابری، اثر قدرت و منزلت ۶۵
- ۳.۲.۵.۱. نگرش ابن خلدون به وجود نابرابری در جامعه ۶۵
- ۳.۲.۵.۲. عوامل قشربندی از منظر ابن خلدون ۶۶
- ۳.۲.۵.۱. نقش قدرت در قشربندی اجتماعی ۶۶
- ۳.۲.۵.۲. نقش جاه در قشربندی اجتماعی ۶۹
- ۳.۲.۵.۳. طبقات اجتماعی از منظر ابن خلدون ۷۰
- ۳.۲.۵.۴. پیامدهای قشربندی از منظر ابن خلدون ۷۱
- ۳.۲. قشربندی و نابرابری اجتماعی از منظر متفکران مسلمان متأخر: ... ۷۳
- ۳.۲.۱. سید جمال‌الدین اسدآبادی: نابرابری، بازتاب اراده الهی و سطح زندگی ۷۳
- ۳.۳.۱.۱. اندیشه اجتماعی ۷۴
- ۳.۳.۱.۲. قشربندی اجتماعی از دیدگاه سید جمال ۸۱
- ۳.۳.۱.۳. عوامل قشربندی از نگاه سید جمال ۸۴
- ۳.۲.۲. جلال آل احمد: نابرابری، برآمده از ارزش‌های عرفی ۸۵
- ۳.۳.۱.۲. قشربندی از منظر آل احمد ۸۶
- ۳.۳.۲.۲. عوامل قشربندی از نگاه آل احمد ۸۷
- ۳.۳.۲.۳. نگاه آل احمد به سیاست و مذهب ۸۸
- ۳.۳.۲.۴. تحرک اجتماعی از منظر آل احمد ۸۹
- ۳.۳.۲.۵. پیامدهای قشربندی از نگاه آل احمد ۹۰
- ۳.۳.۲.۶. جمع‌بندی ۹۰
- ۳.۲.۳. سید محمدباقر صدر: نابرابری، انعکاس اجتماعی طبیعت متفاوت انسان و کار ... ۹۱
- ۳.۳.۱. جامعه از دیدگاه شهید صدر ۹۲
- ۳.۳.۲. انسان و جامعه ۹۴

۳.۳.۳.۳. دین و جامعه	۹۷
۳.۳.۳.۴. قشربندی اجتماعی از نگاه شهید صدر	۱۰۱
۳.۳.۳.۵. عوامل نابرابری‌های اجتماعی	۱۰۱
۳.۳.۳.۵.۱. جدال درونی انسان	۱۰۱
۳.۳.۳.۵.۲. طبیعت متفاوت انسان‌ها	۱۰۳
۳.۳.۳.۵.۳. نظام‌های فکری و سیاسی	۱۰۳
۳.۳.۳.۵.۴. کار	۱۰۸
۳.۳.۳.۵.۵. توان بشر در بهره‌برداری از طبیعت و پیچیدگی اقتصاد، ...	۱۰۸
۳.۲.۴. علی شریعتی: نابرابری، اثر عوامل مادی و اعتقادی	۱۰۹
۳.۳.۴.۱. اندیشه اجتماعی	۱۱۰
۳.۳.۴.۲. قشربندی اجتماعی از دیدگاه شریعتی	۱۱۱
۳.۳.۴.۳. عوامل قشربندی از نگاه شریعتی	۱۱۴
۳.۳.۴.۴. پیامدهای قشربندی از نگاه شریعتی	۱۱۸
۳.۲.۵. شهید مرتضی مطهری: نابرابری به مثابه ضرورت محدود	۱۲۰
۳.۳.۵.۱. ابعاد دیدگاه اجتماعی شهید مطهری	۱۲۰
۳.۳.۵.۲. عدالت اجتماعی از منظر شهید مطهری	۱۲۴
۳.۳.۵.۳. قشربندی اجتماعی از نگاه شهید مطهری	۱۲۷
۳.۳.۵.۴. پیامدهای نابرابری اجتماعی	۱۳۰
۳. تأثیر در رفتار عمومی	۱۳۱
۳.۲.۶. سید محمدحسین طباطبایی: نابرابری، ضرورت طبیعی و غیرارزشی	۱۳۳
۳.۳.۶.۱. انسان‌شناسی	۱۳۴
۳.۳.۶.۳. ابعاد دیگر اندیشه اجتماعی	۱۴۴
۳.۳.۶.۴. عدالت اجتماعی در اندیشه علامه طباطبایی	۱۴۸
۳.۳.۶.۵. قشربندی اجتماعی در اندیشه علامه طباطبایی	۱۵۰

- ۳.۳.۶. لزوم وجود کثرت و طبقات در جامعه ۱۵۰
- ۳.۳.۷. تلاش اسلام برای کاهش فاصله طبقاتی از منظر علامه طباطبایی ۱۵۳
- ۳.۳.۸. امور معنوی، ملاک برتری در اسلام از منظر علامه طباطبایی ۱۵۴
- ۳.۳.۹. عوامل قشربندی اجتماعی از نگاه علامه طباطبایی ۱۵۶
- ۳.۳.۱۰. پیامدهای قشربندی اجتماعی از منظر علامه طباطبایی ۱۵۹

فصل چهارم: قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی از دیدگاه متفکران غربی ۱۶۱

- ۴.۱. نظریه‌های پیش‌کلاسیک قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی ۱۶۱
- ۴.۱.۱. افلاطون: نابرابری به مثابه تفاوت استعدادها ۱۶۱
- ۴.۱.۱.۱. افلاطون و آرمان‌شهر طبقاتی شهریاران حکیم ۱۶۱
- ۴.۱.۲. ارسطو: نابرابری، محصول تفاوت در سرشت آدمیان ۱۶۳
- ۴.۱.۲.۱. ارسطو و حاکمیت طبقه متوسط ۱۶۳
- ۴.۱.۳. منتسکیو: نابرابری، محصول حکومت استبدادی، تجمل‌گرایی و توزیع ۱۶۵
- ۴.۱.۳.۱. منتسکیو و انتقاد از استبداد و تجمل ۱۶۵
- ۴.۱.۴. ژان ژاک روسو: نابرابری محصول عوامل طبیعی و قرارداد اجتماعی ۱۶۶
- ۴.۱.۴.۱. روسو و نحوه تحقق نابرابری ۱۶۶
- ۴.۲. نظریه‌های کلاسیک قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی ۱۶۸
- ۴.۲.۱. هربرت اسپنسر: قشربندی، جلوه تمایز اجتماعی ۱۶۸
- ۴.۲.۲. ویلیام گراهام سامنر: نابرابری شرط لازم برای بقای شایستگان در قانون تنازع بقا ۱۷۰
- ۴.۲.۳. ویلفردو پارتو: نابرابری ناشی از ناهمگنی اجتماعی و ابزاری برای تعادل اجتماعی ۱۷۲
- ۴.۲.۳.۱. نظریه حاکمیت نخبگان و ریشه‌های آن ۱۷۲
- ۴.۳. نظریه‌های بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی ۱۷۴
- ۴.۳.۱. تحلیل‌های مکتب تضاد از قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی ۱۷۴
- ۴.۳.۱.۱. کارل مارکس: نابرابری به مثابه بازتاب مالکیت خصوصی ۱۷۴

- ۱.۱.۱.۳.۴. مارکس و ملاک مالکیت ابزار و مناسبات تولید..... ۱۷۴
- ۱.۱.۲.۳.۴. کار، شیوه تولید و تضاد اجتماعی..... ۱۷۶
- ۱.۱.۳.۴. نظریه «ازخودبیگانگی» مارکس..... ۱۷۷
- ۱.۱.۳.۴. تضاد و پیش‌بینی آینده سرمایه‌داری..... ۱۷۷
- ۲.۳.۴. تحلیل‌های مکتب ساختی کارکردی از قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی..... ۱۷۹
- ۱.۲.۳.۴. دورکیم: نابرابری محصول حاکمیت شرایط هم‌بستگی ارگانیک و ۱۷۹
- ۱.۱.۲.۳.۳. اقسام نابرابری اجتماعی از نظر دورکیم..... ۱۸۰
- ۲.۱.۲.۳.۳. نقد دورکیم بر جامعه مدرن..... ۱۸۲
- ۳.۱.۲.۳.۳. نخبه‌گرایی دورکیم..... ۱۸۳
- ۳.۳.۴. تحلیل‌های مکتب تفسیری درباره قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی..... ۱۸۳
- ۱.۳.۳.۴. ماکس وبر: (رهیافت چندبعدی) نابرابری به مثابه برابری ثروت،..... ۱۸۳
- ۲.۳.۳.۴. تفاوت‌های اندیشه مارکس و وبر در زمینه نابرابری..... ۱۸۴
- ۴.۴. تحلیل‌های اندیشمندان معاصر درباره قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی..... ۱۸۵
- ۱.۴.۴. کارکردگرایان معاصر و قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی..... ۱۸۵
- ۱.۱.۴.۴. موريس هالبواکس: نابرابری، ضرورتی برای ایجاد انگیزه‌های اجتماعی..... ۱۸۵
- ۱.۱.۴.۴. ورود ارزش‌های اجتماعی در تحلیل قشربندی کارکردی..... ۱۸۵
- ۲.۱.۴.۴. طبقه در نگاه هالبواکس..... ۱۸۶
- ۲.۱.۴.۴. تالکوت پارسونز: نابرابری محصول ناگزیر کنش متقابل اجتماعی..... ۱۸۷
- ۱.۲.۴.۴. عوامل قشربندی در اندیشه پارسونز..... ۱۸۷
- ۳.۱.۴.۴. کینگزلی دیویس و ویلبرت مور: نابرابری به مثابه ضرورت کارکردی،..... ۱۹۰
- ۲.۴.۴. دیدگاه نئومارکسیستی و نابرابری‌های اجتماعی..... ۱۹۳
- ۱.۲.۴.۴. نیکوس پولاتتاس: استمرار نابرابری با عوامل سیاسی و ایدئولوژیک..... ۱۹۳
- ۱.۱.۲.۴.۴. تحلیل پولاتتاس از نابرابری اجتماعی و مشکلات آن..... ۱۹۳
- ۲.۲.۴.۴. اریک آلین رایت: موقعیت‌های متضاد در روابط طبقاتی..... ۱۹۶

- ۴.۴.۲.۱. سه معیار تشخیص بورژوازی و نقش قدرت در قشربندی ۱۹۶
- ۴.۴.۳. دیدگاه ترکیب‌گرایی و قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی ۱۹۹
- ۴.۴.۳.۱. لوید وارنر: ذهنیت اجتماعی عامل شکل‌دهنده به قشربندی ۲۰۰
- ۴.۴.۳.۱.۱. تعریف طبقه از نظر وارنر ۲۰۰
- ۴.۴.۳.۱.۲. طبقات در جامعه آمریکا بر پایه تحقیق وارنر ۲۰۰
- ۴.۴.۳.۱.۳. خلاصه دیدگاه وارنر ۲۰۱
- ۴.۴.۳.۲. پیتریم سوروکین: نگاه سلبی چندبعدی به طبقات ۲۰۲
- ۴.۴.۳.۲.۱. دغدغه سوروکین برای شناخت دقیق طبقه ۲۰۲
- ۴.۴.۳.۳. ژرژ گوروچ: نفی انحصار عامل اقتصادی در تعیین قشربندی ۲۰۳
- ۴.۴.۳.۴. رالف دارندورف: نابرابری به مثابه توزیع نابرابر اقتدار ۲۰۵
- ۴.۴.۳.۴.۱. تأکید دارندورف بر عامل اقتدار، بر پایه تحولات جوامع غربی .. ۲۰۶
- ۴.۴.۳.۴.۲. تفاوت مصادیق اقتدار با توجه به پیچیدگی‌های طبقات جدید ... ۲۰۷
- ۴.۴.۳.۵. گرهارد لنسکی: نابرابری، بازتاب قدرت و امتیاز ۲۰۸
- ۴.۴.۳.۵.۱. نقش قدرت در جوامع سنتی و صنعتی ۲۰۸
- ۴.۴.۳.۵.۲. اندیشه ترکیب‌گرایی لنسکی در تحلیل قشربندی ۲۰۹
- ۴.۴.۳.۶. فرانک پارکین: نابرابری و نظام‌های معنایی و انسداد اجتماعی ۲۱۰
- ۴.۴.۳.۶.۱. مفهوم انسداد اجتماعی پارکین ۲۱۰
- ۴.۴.۳.۶.۲. مفهوم آبگینگی و رابطه آن با نظام‌های ارزشی در نظریه پارکین ... ۲۱۲
- ۴.۴.۳.۷. آنتونی گیدنز: نابرابری کثرت‌گرا، سیال و محصول ساخت‌یابی بی‌نظمی ۲۱۳
- ۴.۴.۳.۷.۱. نظریه ساخت‌یابی و قشربندی اجتماعی ۲۱۴
- ۴.۴.۳.۷.۲. دیدگاه گیدنز در خصوص عوامل قشربندی ۲۱۶
- ۴.۴.۳.۷.۳. جنسیت عاملی ریشه‌دار در قشربندی اجتماعی ۲۱۷
- ۴.۴.۳.۷.۴. فرصت‌های تحرک در جوامع مدرن ۲۱۸
- ۴.۴.۳.۷.۵. مسئله فقر در نگاه گیدنز ۲۱۸

فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادها.....	۲۲۱
۱.۵. جمع‌بندی دیدگاه متفکران مسلمان.....	۲۲۱
۲.۵. مقایسه اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان با جامعه‌شناسان.....	۲۲۵
۱.۲.۵. تفاوت‌ها.....	۲۲۵
۲.۲.۵. شباهت‌ها.....	۲۲۸
۳.۵. پیشنهادها.....	۲۲۹
منابع و مآخذ.....	۲۳۱

پیشگفتار

پدیده قشربندی اجتماعی، جلوه‌هایی از نابرابری‌ها است که در بیشتر جوامع انسانی حاکم بوده است. پدیده‌هایی در قالب انواع گوناگون زندگی طبقاتی، تفاوت‌هایی در شیوه زندگی و نیز سلسله‌مراتب در گروه‌های مختلف اجتماعی، بیانگر این وضعیت‌اند. این قبیل نابرابری‌ها با توجه به آثار منفی یا مثبت درخور توجهی که داشته یا دارند، همیشه محل توجه اندیشمندان جوامع مختلف قرار گرفته‌اند.

در این کتاب تلاش شده است نظریه‌های قشربندی اجتماعی، به‌شیوه‌ای متفاوت از سایر منابع موجود، به‌صورت مجموعه‌ای همبسته مورد مطالعه قرار گیرد و سپس به معرفی رویکردهای اندیشمندان مسلمان که تا حدودی در این زمینه مغفول بوده، پرداخته شود. بیشتر مباحث کتاب بر بیان این رویکردها اختصاص دارد؛ زیرا منابع موجود به‌وفور حاوی نظریه‌های اندیشمندان غیرمسلمان است.

پس از بیان کلیات مطالب در فصل اول، به بحث از مفاهیم مرتبط در قشربندی اجتماعی در فصل دوم پرداخته شده است. فصل سوم به بیان دیدگاه متفکران مسلمان در دوره‌های زمانی مختلف، درباره نابرابری‌های اجتماعی پرداخته و آنها را تحلیل کرده است. در فصل چهارم نظریه‌های قشربندی اجتماعی اندیشمندان غیرمسلمان به ترتیب زمانی، از گذشته تا زمان معاصر، توصیف شده است؛ به‌نحوی که ابتدا نظریات اندیشمندان پیش‌کلاسیک و سپس نظریه‌های کلاسیک قشربندی اجتماعی و آنگاه نظریه‌های بنیان‌گذاران آغازین و در پایان فصل، دیدگاه ترکیب‌گرایی اندیشمندان معاصر ارائه شده است. در فصل پایانی کتاب، نتیجه‌گیری و مقایسه‌ای بین نظریات جامعه‌شناختی و دیدگاه متفکران مسلمان صورت گرفته تا تصویر گویایی از دو دیدگاه به‌دست آید. ملاحظه بحث از تفاوت‌ها و شباهت‌های میان این دو دیدگاه در کتاب، حائز اهمیت است. درباره رویکرد اندیشمندان مسلمان می‌توان گفت که نوع نگاه

ایشان به پدیده‌های اجتماعی معطوف به شناخت عمیق از اوضاع جامعه و مشاهدات عینی، اغلب برگرفته از آموزه‌های دینی با روش تحلیل ذهنی انتزاعی بوده است؛ گو اینکه کسانی همانند ابوریحان بیرونی از روش مشاهده و مصاحبه نیز در مطالعات اجتماعی خود بهره برده‌اند. مطالعه این کتاب با تمرکز بر آرای متفکران مسلمان تا حدودی می‌تواند جبران‌کننده بی‌توجهی به این قبیل مطالعات باشد.

در اینجا وظیفه خود می‌دانیم از جناب آقای حامد توانا یاد کنیم که در استخراج و تدوین بخش‌هایی از این اثر یاریگر ما بودند و قدردان زحمات ایشان هستیم. ایشان به جهت سابقه‌ای که در مطالعه و تدوین مباحث قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی از منابع تخصصی و دینی دارند، در تکمیل این کتاب نقش مؤثری داشتند. همچنین از مسئولان محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که با حمایت‌ها و همراهی‌های خود، زمینه انجام طرح‌هایی مبتنی بر استخراج و ارائه نظام‌مند مباحث تخصصی از منابع اسلامی و طرح دیدگاه متفکران مسلمان را هموار می‌سازند، قدردانی می‌کنیم.

فصل اول

کلیات

۱.۱. مقدمه و بیان مسئله

می‌توان گفت که تقریباً در همه اجتماعات انسانی پدیده‌هایی چون انواع گوناگون زندگی طبقاتی، نابرابری اجتماعی و سلسله‌مراتب گروه‌های مختلف اجتماعی وجود داشته و دارد. این گروه‌ها تفاوت‌های بسیار دارند؛ اما مهم‌ترین تفاوت‌ها آن است که واجد منشأ ساختاری، یعنی جزء لاینفک کنش متقابل و مستمر افراد، باشد (گرب، ۱۳۷۳، ص ۱۰). در واقع نابرابری اجتماعی وضعیتی است که در چارچوب آن، انسان‌ها به منافع باارزش و خدمات و موقعیت‌های جامعه دسترسی نابرابر دارند (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۴، ص ۶). در برخی منابع، نابرابری اجتماعی چنین تعریف شده است: وجود تفاوت‌های دائمی و منظم در قدرت خرید کالاها، خدمات و امتیازات میان گروه‌های معینی از مردم که شاخص آن نابرابری در دادن پاداش به کار است (ملک، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳).

از آنجا که مباحث مربوط به طبقات و قشربندی‌های اجتماعی می‌تواند بر دیگر مسائل اجتماعی اثرگذار باشد، تحقیق و سرمایه‌گذاری برای شناسایی ابعاد آن امری بس مهم تلقی می‌شود.

در میان تبیین‌ها و تحلیل‌های جامعه‌شناسان از نابرابری‌های اجتماعی، سه رویکرد درباره قشربندی اجتماعی نمود دارد. اولی رویکرد کارل مارکس است که اساس نابرابری را در اقتصاد و کنترل ابزار تولید می‌بیند. او معتقد است که نابرابری اجتماعی ناشی از تضاد منافع فردی و گروهی است و این تضاد، ناگزیر به کشمکش و ستیز طبقاتی می‌انجامد. رویکرد دوم متعلق به ماکس وبر است که بنیان‌های نابرابری را متکثرتر می‌بیند. او اساس نابرابری را قدرت می‌داند که

در ثروت و منزلت و اقتدار خلاصه می‌شود. سومی رویکرد کارکردگرایانه دورکیم است که از حیث تاریخی اساساً از نظریه‌های بیولوژیکی برآمده است. وی برای نابرابری و قشربندی اجتماعی ضرورت کارکردی قائل است؛ به این معنا که وجود آن را برای پاسخ به نیازهای اجتماعی انسان و ایجاد تعادل و بقای نظام اجتماعی ضروری می‌شمرد. دورکیم نابرابری را ناشی از تقسیم کار اجتماعی می‌داند. او نابرابری اجتماعی را همچون نابرابری فردی تلقی می‌کند که فی‌نفسه مذموم نیست، بلکه لازمه هم‌پستگی ارگانیک جامعه است؛ آنچه نابرابری را به امری مذموم بدل می‌کند شکل نابهنجار تقسیم کار است. دورکیم معتقد است با ایجاد گروه‌های شغلی و حرفه‌ای و ایجاد دموکراسی و فرصت‌های برابر می‌توان به آینده بهتر امیدوار بود.

به نظر می‌رسد هرکدام از این رویکردهای جامعه‌شناختی تنها بخشی از واقعیت را تبیین می‌کنند و البته هریک از آنها نیز نقد شده‌اند؛ به‌نحوی که مارکس به ساده‌سازی مسئله و عدم قدرت تبیین کافی تحولات اجتماعی، و دورکیم به محافظه‌کاری و چشم‌پوشی از شکاف‌های اجتماعی متهم شده‌اند و دیدگاه وبر نیز در معرض انتقادات دیگری قرار گرفته است.

در کتاب حاضر، نظریه‌های اندیشمندان غربی در این عرصه بر اساس منابع موجود معرفی و پس از بررسی اجمالی آنها، بر معرفی دیدگاه برخی اندیشمندان مسلمان در این باره تمرکز شده است. نگارندگان کوشیده‌اند نظریه‌های قشربندی اجتماعی را در قالبی متفاوت با دیگر منابع موجود، به‌صورت مجموعه‌ای هم‌بسته و پیوسته بررسی کنند و سپس به معرفی رویکردهای اندیشمندان مسلمان در این عرصه بپردازند. به همین منظور پس از بیان کلیات در فصل اول، مبحث مفاهیم در قشربندی اجتماعی و آینده آن و همچنین مسئله تحرک اجتماعی در فصل دوم مطرح شده است.

فصل سوم به بیان دیدگاه متفکران مسلمان در دوره‌های زمانی مختلف درباره نابرابری‌های اجتماعی و تحلیل آنها اختصاص یافته است.

در فصل چهارم نظریه‌های قشربندی اجتماعی اندیشمندان غیرمسلمان به‌ترتیب زمانی، از گذشته تا زمان معاصر، توصیف شده است؛ به‌نحوی که ابتدا نظریات اندیشمندان پیش‌کلاسیک و سپس نظریه‌های کلاسیک قشربندی اجتماعی و آنگاه نظریه‌های بنیان‌گذاران و در پایان فصل، دیدگاه ترکیب‌گرایی اندیشمندان معاصر ارائه شده است.

در فصل پنجم نیز مقایسه‌ای میان دیدگاه‌های متفکران مسلمان و اندیشمندان غربی انجام گرفته است تا درکی کلی از دو دیدگاه حاصل شود که خود تعیین‌کننده مسیری برای مطالعات آینده است.

۲.۱. اهداف

هدف کلی: بررسی و توصیف مباحث و نظریه‌های مرتبط با جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی و ارائه رویکرد مبتنی بر دیدگاه متفکران مسلمان در این عرصه.

اهداف جزئی: ۱. توصیف مفاهیم، تعریف‌ها و کلیات مرتبط با پدیده قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی؛ ۲. بررسی و تحلیل ابعاد، زمینه‌های شکل‌گیری، اشکال، ویژگی‌ها و پیامدهای قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی؛ ۳. ارائه دیدگاه نظریه‌پردازان مطرح در عرصه جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی با تفکیک زمانی در چارچوب برگرفته از پارادایم‌ها و مکاتب جامعه‌شناسی؛ ۴. توصیف و تحلیل دیدگاه اندیشمندان مسلمان در زمینه قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی.

۳.۱. اهمیت و ضرورت

نظر به اقتضائات و موقعیت فرهنگی و اجتماعی جامعه اسلامی، برای تبیین پدیده‌های اجتماعی باید با مراجعه به منابع دینی و یافته‌های متفکران مسلمان و پرهیز از بسنده کردن به یافته‌های پژوهشگران غیرمسلمان، دیدگاه مناسبی برگزید. برای تبیین و توصیف پدیده‌ای همچون نابرابری‌های اجتماعی، به منابع دینی و دیدگاه متفکران مسلمان کمتر توجه شده و عمده مطالب موجود در منابع مربوط، برگرفته از دیدگاه اندیشمندان غربی است. امروزه بیش از هر زمان دیگری بازگشت به خود به‌ویژه در عرصه علوم انسانی ضرورت دارد. در این راستا تدوین چنین اثری فوریت زمانی می‌طلبد. در مجامع علمی کماکان دیدگاه اسلامی در زمینه قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، به‌عنوان شاخه‌ای مهم از جامعه‌شناسی، نادیده انگاشته می‌شود. اکنون لازم است با نگاهی برگرفته از دیدگاه اندیشمندان مسلمان به مبحث قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی نگرسته و تحلیلی مناسب در جهت تبیین و تحلیل مسائل مرتبط با آن ارائه شود. به‌علاوه، این رویکرد اقدامی در راستای بومی‌سازی علوم انسانی محسوب می‌شود

که مدنظر سیاست‌گذاران عرصه علوم انسانی است. نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع درسی، به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی، و محدود بودن مراکز پژوهشی‌ای که مشغول تدوین متون با رویکرد اسلامی‌اند، ایجاب می‌کند برخی امکانات موجود در پژوهشگاه‌ها، در مسیر ارتقای سطح کیفی و کمی منابع موجود در علوم انسانی با رویکرد اسلامی و بومی به کار گرفته شود. از طرف دیگر، یکی از ویژگی‌های این کتاب، تجمیع مکاتب کلان جامعه‌شناسی و معرفی دیدگاه اندیشمندان مسلمان به‌عنوان تحلیلی متناسب با جامعه اسلامی در زمینه مباحث مرتبط با قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی است. به همین جهت، اهمیت دیگر این طرح شناساندن دیدگاه متفکران مسلمان و فراهم کردن امکان ورود آن به عرصه مطالعات اجتماعی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی است. به این ترتیب اندیشمندان می‌توانند در تحلیل‌های خود از مبحث قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، به طرح دیدگاه متفکران مسلمان استناد کنند. در واقع تدوین کتاب حاضر از سویی، محتوایی پیش روی محققان قرار خواهد گرفت که علاوه بر زمینه‌های مادی تحلیل قشربندی، دیگر عناصر مؤثر در این پدیده را نیز روشن می‌کند؛ از سوی دیگر، چون مطالعات مرتبط با قشربندی در تصمیم‌گیری‌های کلان اجتماعی اثرگذار است، می‌تواند برای مسئولان و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی و اجتماعی جوامع اسلامی مفید واقع شود.

۴.۱. پیشینه پژوهش

آثار مرتبط با موضوع این پژوهش که به زبان فارسی نگاشته یا ترجمه شده به قرار زیر است:

۱. آثار نویسندگان غیربومی که به فارسی ترجمه شده است. تعدادی از منابع مهم این دسته عبارت است از:

- جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی نظری و کاربردی، نوشته ملوین تامین، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر که در سال ۱۳۷۳ در ایران به چاپ رسیده است. در این کتاب که در دوازده فصل تنظیم شده، پس از مروری بر نظریه‌های قشربندی اجتماعی از افلاطون تا جامعه‌شناسان آمریکایی معاصر، صفات عمده قشربندی اجتماعی، فرایندهای افتراق و طبقه‌بندی و سپس فرایند ارزیابی پایگاه اجتماعی و امتیاز دادن به آن مطرح شده است.
- نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر (۱۳۷۳)، نوشته ادوارد ج. گرب، ترجمه محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی‌زاد. نویسنده کتاب را در شش فصل

فصل اول: کلیات ۷

تنظیم کرده و در فصل اول نظریه‌های نابرابری اجتماعی را به‌عنوان مقدمه آورده است؛ سپس در فصل دوم با بررسی زندگی و کلیات افکار کارل مارکس مفهوم طبقه و مجموعه عوامل دگرگون‌کننده نظام سرمایه‌داری را مطرح کرده است. گرب در فصل سوم کلیات افکار ماکس وبر را با طرح موضوع بنیان‌های چندگانه نابرابری از دیدگاه وی ذکر کرده است. دیدگاه‌های دورکیم و کارکردگرایی ساختاری و ارتباط آن با نابرابری‌های اجتماعی موضوعی است که نویسندگان در فصل چهارم آن را بررسی کرده است. در فصل پنجم دیدگاه‌های جدید، آرای دارندورف، لنسکی، پولانتزاس، الین رایت پارکین و گیدنز، درباره نابرابری اجتماعی مطرح شده و در فصل پایانی ارزیابی مختصری از نظریه‌های نابرابری اجتماعی انجام شده است.

– *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی* (۱۳۸۱)، نوشته سیمور مارتین لیپست و همکاران، با ترجمه جواد افشارکهن. این کتاب که در پنج فصل تنظیم شده با بیان سرچشمه‌های نظریه قشربندی و طبقه اجتماعی، به دنبال بررسی ساختار نظام‌های قشربندی و فرهنگ طبقاتی، پایان می‌یابد.

۲. آثار نویسندگان فارسی‌زبان که مهم‌ترینشان به قرار زیر است:

– *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی* (۱۳۸۵)، نوشته رسول ربانی و ابراهیم انصاری. این کتاب که به صورت مشترک توسط انتشارات دانشگاه اصفهان و سمت عرضه شده نه فصل دارد. در فصل‌های اول و دوم، مفاهیم اساسی و نظریه‌های قشربندی اجتماعی مطرح شده و در فصل سوم، موضوع زنان و قشربندی اجتماعی، دیدگاه فلاسفه درباره زن و مبحث فمینیسم بررسی و نقد شده است. فصل چهارم کتاب دربردارنده مبحث ادیان و قشربندی اجتماعی با عطف توجه به آیین‌های هندوئیسم و زرتشت و دین اسلام و نیز معیارهای قشربندی در اسلام است. در فصل‌های پنجم و ششم، اقوام و نابرابری‌های اجتماعی و سیاست و قشربندی اجتماعی بررسی شده است. تحلیل طبقه به عنوان یکی از ارکان قشربندی سیاسی موضوعی است که در فصل هفتم مطرح شده است. در دو فصل پایانی، نویسندگان مطالعه‌ای موردی در خصوص جامعه آمریکا و ایران با موضوع طبقه متوسط ارائه کرده‌اند.

– *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی* (۱۳۸۳)، نوشته حسن ملک که دانشگاه پیام نور آن را منتشر کرده است. نویسنده که کتابش را در شش فصل تنظیم کرده از فصل اول تا پنجم به مباحث مربوط به کلیات و مفاهیم و شکل‌های عمده قشربندی اجتماعی و نیز

نظریه‌های مربوط به آن پرداخته و در فصل پایانی مروری اجمالی بر جامعه‌شناسی اقشار و طبقات اجتماعی در ایران کرده است.

در مجموع می‌توان گفت با وجود منابع متعدد در عرصه جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، اغلب آنها فاقد جامع‌نگری از سویی و نیز خالی از دیدگاه‌های بومی و اسلامی در زمینه نابرابری‌های اجتماعی از سوی دیگرند.

تفاوت کتاب حاضر با تألیفات پیشین به این قرار است:

۱. بررسی و ارائه نظریه‌های اندیشمندان غربی بر اساس الگوهای پارادایمی و زمانی؛
۲. ارائه منسجم و دسته‌بندی‌شده دیدگاه متفکران مسلمان از قدما تا معاصران در این عرصه، در راستای تحلیل پدیده نابرابری‌های اجتماعی.

۵.۱. چارچوب مفهومی

نابرابری در فرهنگ مفاهیم دینی با مفهوم فضل و تفضیل ملازم است. نابرابری برتری داشتن، برتری بخشیدن یا برتری یافتن فرد یا چیزی بر فرد یا چیز دیگر به واسطه نوعی امتیاز تکوینی یا تشریعی یا تعاملی است. برای مثال، قرآن کریم از برتری انسان بر برخی مخلوقات دیگر^۱ و برتری مرد بر زن در ولایت و سرپرستی^۲ و برتری برخی انسان‌ها بر بعضی دیگر به واسطه نوعی تلاش مانند جهاد^۳ سخن می‌گوید. نوع اول از فضل و تفضیل برتری تکوینی است که ویژگی ذاتی است و جنبه اکتسابی ندارد؛ اما نوع دوم ناظر به برتری تشریعی و قانون‌گذارانه است و نوع سوم برتری‌ای است که در تعامل با دیگران و به دنبال تلاش افراد به دست می‌آید. موضع اسلام در مقابل این سه نوع مفهوم از فضل و تفضیل، متفاوت و در عین حال ارزشی است. از نظر اسلام هر سه نوع ذکر شده ارزش نسبی دارند.

از نگاه اسلام فضل ناشی از تکوین و ذات انسان‌ها ارزش نسبی دارد. این نوع برتری در مواقعی ارزش است و در برخی موقعیت‌ها ارزش نیست. مثلاً برخورداری از ذهن و بدن سالم و

۱. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَجَعَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء، ۷۰).

۲. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِأَنفُسِهِمْ يَتُفَقَّحُونَ» (نساء، ۳۴).

۳. «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء، ۹۵).

قوی در احراز مسئولیت اجتماعی ارزش است،^۱ چراکه اقتضای مسئولیت برخورداری از این خصوصیت است، به خصوص در جوامع سنتی که مدیریت جامعه مستلزم توان ذهنی بدنی خاصی بوده است؛ اما برتری فرد بر دیگری در زیبایی، ارزش محسوب نمی‌شود. تفضیل تشریعی به معنای عام، که شامل قانون‌گذاری‌های بشری هم می‌شود، از نظر اسلام به خودی خود ارزش نیست؛ بلکه به لحاظ کاربرد و هدف، ارزیابی می‌شود. پس ارزش آن تابعی از کاربرد و هدف آن است؛ به شرطی که تشریع در دایره اصول و ارزش‌های الهی و انسانی باشد. برای مثال، برتری یک خانواده بر مردم بر اساس قانونی تحت عنوان خاندان پادشاهی فاقد ارزش است؛ اما برتری دادن فردی متخصص بر افراد فاقد تخصص، با هدف هدایت آنها به مقصد یا ممانعت از خطر یا انحراف، ارزش است.^۲

تفضیل تعاملی نیز دارای ارزشی نسبی است؛ به این معنا که اگر این تفضیل بر طبق قوانین و ارزش‌های الهی و انسانی یا مقتضای طبیعت جامعه باشد، مقبول است و در غیر این صورت، ارزش محسوب نمی‌شود و ضد ارزش است. برای مثال، برتری کسی که با فعالیت اقتصادی در جامعه به ثروت بیشتری دست یافته ارزش نیست،^۳ چون مادیات به خودی خود ارزش نیستند؛ اما برتری کسی که با تلاش به برتری علمی و معرفتی دست یافته ارزشمند است، چراکه علم و معرفت در فرهنگ دینی و اسلامی به خودی خود ارزش محسوب می‌شود.^۴ در عین حال، کلیت رتبه‌بندی گروه‌های اجتماعی به حسب مقتضیات جامعه، مانند اقتضای سامان‌دهی جامعه با نوعی از مدیریت، مقبول واقع شده است.^۵

مفهوم ظلم و جور که از مفاهیم مهم در مبحث نابرابری دینی است از فضل و تفضیل تعاملی نشئت می‌گیرد. ظلم و جور ناظر بر نوعی برتری است که فرد، بدون استحقاق، از طریق

۱. «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكُهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۴۷).

۲. «أَتَيْنَكُم لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (عنکبوت، ۲۹).

۳. «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِن قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاحِهُ لَتَتَوَّىٰ بِالْعَصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ» (قصص، ۷۶).

۴. «... وَإِنَّهُ لَدُوٌّ عَلِيمٌ لَّمَّا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (یوسف، ۶۸).

۵. «أَهُمْ يُنْسِمُونَ رَحْمَةً رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُلْطَانًا وَرَحْمَةً رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» (زخرف، ۳۲).

تضییع حق دیگران، به آن دست یافته باشد. مطالعه آثار اندیشمندان مسلمان در مقوله نابرابری‌های اجتماعی نشان می‌دهد که نگاه ایشان به آن در مثلث این سه نوع فضل و تفضیل قرار دارد. ایشان گاهی نابرابری اجتماعی را با ارجاع به ویژگی‌های ذاتی انسان پذیرفته‌اند و گاه بر پایه تفضیل تعاملی طبیعی جامعه، آن را بررسی کرده‌اند؛ یا بر پایه ارزش‌های اصیل الهی و انسانی، مانند ایمان و معرفت، به معرفی جوامع و اقشار مختلف پرداخته‌اند یا بر پایه مفهوم ظلم و جور، که نوعی تفضیل تعاملی است، آن را بسط داده و بررسی و نقد کرده‌اند. بنابراین متفکران مسلمان در مطالعه نابرابری‌های اجتماعی، هم به ارزش‌های دینی توجه داشته‌اند و هم به واقعیت‌های جامعه خود اهتمام ورزیده‌اند؛ هم به جنبه‌های طبیعی و ضروری نابرابری توجه کرده‌اند و هم با توجه به برخی پیامدها، به نقد و نفی آن مبادرت ورزیده‌اند. در واقع هم به ابعاد فردی عنایت داشته‌اند و هم ابعاد اجتماعی را لحاظ کرده‌اند.

ارزش‌گرایی در مطالعات نابرابری اجتماعی متفکران مسلمان کاملاً مشهود است و این امر را به حسب مطابقت آن با واقعیت‌های اجتماعی جوامع مسلمان، می‌توان تلاشی برای فهم همدلانه‌تر این مقوله و نه خروج از بررسی منصفانه محسوب کرد.

در تحلیل و جمع‌بندی دیدگاه متفکران مسلمان از نظر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی در عرصه نابرابری‌های اجتماعی، باید گفت که آنان قائل به ذهن‌گرایی در تحلیل پدیده‌های اجتماعی‌اند. اندیشمندان مسلمان با نگاه خاص خود به دین و جامعه، پرداختن به امور اجتماعی را در راستای آموزه‌های دینی می‌دانستند. آنها چه‌بسا آموختن فقه و اخلاق و تفسیر را برای سامان دادن امور جامعه مسلمانان کافی دانسته و از به‌کارگیری منابع و روش‌های دیگر استقبال نمی‌کردند. به همین دلیل متفکرانی که دارای اندیشه اجتماعی متفاوتی بوده‌اند غالباً چهره فلسفی داشته‌اند. از ابن‌خلدون که بگذریم، دیگر صاحب‌نظران مسلمان در حوزه اجتماعی اغلب یا فیلسوف بوده یا با فلسفه کاملاً آشنایی داشته‌اند. آنها برخلاف دیگر دانشمندان مسلمان، این امکان را برای دین‌داران قائل بوده‌اند که در کنار آموزه‌های دینی از دیگر منابع به‌منظور شناخت جامعه و ارائه راه‌حل‌های مفید برای گره‌گشایی از مسائل آن استفاده کنند؛ اما استفاده از روش‌های جدیدتر، یعنی شیوه‌های تجربی که مورد تأکید جامعه‌شناسی است، در دستور کار آنها قرار نگرفته است. البته در کنار روش ذهنی انتزاعی، تکیه بر اطلاعات عمومی از اوضاع جامعه یا حتی مشاهدات عینی غیرنظام‌مند در مطالعات

اجتماعی دور از تصور نیست؛ به خصوص که بسیاری از دیدگاه‌های ایشان ناظر بر وضعیت اجتماعی زمان آنهاست. همچنین متفکران مسلمان در مواجهه با مسئله نابرابری‌های اجتماعی، این پدیده را با رویکرد ارگانیسم‌گرایی تحلیل کرده‌اند؛ به نحوی که اکثر متفکران مسلمان جامعه را به منزله یک موجود زنده دیده‌اند. آنها غالباً هویتی مستقل یا نیمه‌مستقل برای جامعه قائل شده‌اند. بدین ترتیب ارگانیسم‌گرایی ابداع جامعه‌شناسان متقدم غربی نیست. ریشه این نگاه در برخی آموزه‌های دینی از قبیل روایات و اخبار پیامبر ﷺ است که جامعه را به مثابه یک بدن و افراد را اعضای آن معرفی کرده است. تأکید بسیار بر آموزه‌های اخلاقی و مفهوم برادری و پیوند مستحکم افراد در جامعه دینی هم از دلایل ارگانیسم‌گرایی است. متفکران مسلمان همواره از تشبیه جامعه به بدن موجود زنده بهره برده‌اند که در آن اعضا پیوندی ناگسستنی با یکدیگر دارند. در نگاه اسلامی عوامل اجتماعی جبری آگاهانه، یعنی تأثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم آگاهانه افراد و گروه‌های اجتماعی در ایجاد نابرابری‌های اجتماعی، نفی می‌شود. در منابع علوم اجتماعی این عوامل غالباً تحت عنوان استعمار و استثمار معرفی می‌شوند. متفکران مسلمان متأخر در عین پذیرش تأثیر استعمار و استثمار جوامع و طبقات بالا در تحقق نابرابری‌ها، هیچ‌گاه با آن کنار نیامده و به شدت آن را نفی کرده‌اند؛ متقدمان نیز برخی سنت‌های اجتماعی زمان خویش مانند برده‌داری را نپذیرفته‌اند. در نهایت می‌توان گفت که متفکران مسلمان قائل به نگرشی ارزشی در خصوص قشربندی اجتماعی بوده‌اند؛ به طوری که می‌توان گفت قشربندی جامعه بر پایه ارزش‌ها یکی از ویژگی‌های اندیشه متفکران اجتماعی مسلمان است. برخی متفکران مسلمان به تاسی از پیشوایان دینی این نوع قشربندی را مطرح کرده و توسعه داده‌اند. قشربندی اجتماعی فارابی از پیشینی‌ترین قشربندی‌های ارزشی است. او جوامع را بر اساس میزان برخورداری از هدایت و معرفت با نام‌های مختلف رتبه‌بندی می‌کند.

فصل دوم

مفاهیم اساسی

در مباحث علمی، توضیح مفاهیم اصلی ضرورت دارد؛ چه اینکه بدون توافق بر این مفاهیم، خوانندگان ذهنیت دقیق و کاملی از موضوع بحث نمی‌یابند و مطالعه آن به نتیجه مطلوبی نمی‌انجامد. البته مفاهیم جامعه‌شناختی چندبعدی و لغزنده‌اند؛ به این معنا که غالباً تعریف‌های مختلفی از آنها ارائه شده و توافقی بر تعریف واحد وجود ندارد. با این حال، می‌کوشیم با ارائه تعریف‌های جامع در پایان بررسی‌ها، پراکندگی بیانات را به وحدتی مفید منتهی کنیم. در این فصل، مفهوم قشربندی و مفاهیم مرتبط با آن، مانند طبقه، نابرابری، نقش و پایگاه اجتماعی، و در پایان، موضوع تحرک اجتماعی بررسی شده است.

در منابع دینی و اندیشه اسلامی، نابرابری اجتماعی غالباً ذیل مفهوم عدالت بررسی شده است. ظلم و جور یا ناعدالتی مدنظر دین ناظر به نابرابری‌هایی است که به‌طور آگاهانه به‌دست فرد یا گروهی از انسان‌ها و غالباً در راستای منافع مادی ایجاد می‌شوند؛ البته در منابع دینی به اختلاف مراتب انسان‌ها در جامعه از ابعاد دیگر هم اشاره شده و برخی از این نابرابری‌ها به‌لحاظ ضرورت‌های ساختار اجتماعی مقبول واقع شده است. به‌تبع، اندیشمندان مسلمان نیز به مفهوم ناعدالتی و سلسله‌مراتب اجتماعی توجه کرده و در آثار خود به آن پرداخته‌اند.

ظلم و جور از نگاه اسلام و متفکران مسلمان پیامدهای ناگواری دارد که نه تنها حیات مادی انسان‌ها را تهدید می‌کند، بلکه حیات معنوی آنها را نیز به‌شدت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در مقابل، سلسله‌مراتب اجتماعی که به ساختار طبیعی جوامع بازمی‌گردد، امری پذیرفتنی بلکه لازم شمرده شده و تخطی از آن عامل نابسامانی اجتماعی قلمداد شده است.

مفهوم نابرابری یا قشربندی اجتماعی، به‌خصوص در آثار متفکران غربی دو سه قرن اخیر،

بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اگر بخواهیم پدیده قشربندی اجتماعی را از منظر این متفکران در بیانی مختصر شرح دهیم، شاید این گفتار از رابرتسون مناسب باشد: «جامعه‌شناسان تاکنون دریافته‌اند که تقریباً هر جنبه‌ای از زندگی ما انسان‌ها قویاً مرتبط با پایگاه ما در سلسله‌مراتب اجتماعی‌مان است، از قبیل: بهره هوشی، موفقیت‌های تحصیلی، بُعد خانوار، معیارهای تغذیه، امکان دستگیر شدن یا به زندان افتادن یا طلاق گرفتن یا روانه تیمارستان شدن، عقاید سیاسی، بیماری‌هایی که از آنها رنج می‌بریم، امید زندگی، و حتی نوع عادت‌های ما در روابط جنسی. این امر بدان معنی است که مردم یک قشر خاص فرصت‌های مشابهی در زندگی دارند یا به عبارت دیگر از احتمال بهره‌مندی یا رنج بردن برابر از مزایا و سختی‌های زندگی در جامعه خود برخوردار هستند. بنابراین قشربندی، بنا به ماهیت خود، مسائل عاطفی و اخلاقی عمیق و مهمی را برمی‌انگیزد، از قبیل: ثروت و فقر، حرص و بدبختی، جاه‌طلبی و شکست، حیوان‌صفتی و دل‌سوزی، ظلم و طغیان» (رابرتسون، ۱۳۷۴، ص ۲۰۴).

قشربندی اجتماعی پدیده جدیدی نیست، بلکه در طول تاریخ بشری به انحای مختلفی نمود یافته است. اما آنچه امروز ذهن اندیشمندان اجتماعی را به خود مشغول ساخته نحوه تحقق قشربندی و پیامدهای آن است. شاید در بخش بزرگی از تاریخ، اجداد ما به صورت گروه‌های کوچک گردآورنده خوراک و شکارچی زندگی می‌کردند و در همه چیزها مانند خوراک، پناهگاه و دیگر منابعی که در اختیار داشتند با هم شریک بودند. نابرابری اجتماعی در این جوامع، گذشته از تفاوت مبتنی بر سن یا جنس، فقط به معنی تفاوت‌های جزئی در پایگاه افراد خاص بود؛ اما همچنان که جوامع در طی چند هزار سال پیش پیچیده‌تر شدند، نوع کاملاً متفاوتی از نابرابری، یعنی نابرابری در میان کل طبقات مردم، پدید آمد. ساکنان این جوامع، مانند لایه‌های یک صخره، به صورت «قشرهایی» گروه‌بندی شده بودند. آنان به افراد واقع در قشر خود به طور برابر می‌نگریستند. کسانی را که در قشر بالاتر بودند به نحوی برتر و آنان را که در قشر پایین‌تر بودند تا حدودی پست‌تر می‌دانستند. به جز اندک جوامعی که اعضای آنها کم‌وبیش برابرند، همه جمعیت‌های انسانی در جوامع قشربندی‌شده زندگی می‌کنند. کار اساسی جامعه‌شناسی پی‌بردن به این است که چنین چیزی چرا وجود دارد و چه آثاری در زندگی انسان‌ها به جا می‌گذارد (همان، ۲۰۳).

به‌زعم برخی جامعه‌شناسان، قشربندی اجتماعی تضادهای خونینی را در طول تاریخ رقم زده است؛ پس در جوامع کنونی هم، نگاه نابرابر به اقشار جامعه می‌تواند حوادث هولناکی پدید آورد (رابرتسون، ۱۳۷۴، ص ۲۰۴). بیرو نیز به‌طور مختصر به پیامدهای قشربندی اشاره کرده است: «در درون یک جامعه دارای قشربندی تقسیم‌شده به لایه‌های اجتماعی و محتوی این اندیشه که برخی از این لایه‌ها برتر از دیگران‌اند، اوضاع و شرایط بسیار گوناگونی پدید می‌آید و شاهد رفتارهای متفاوتی بین قشرها هستیم، نظیر: سلطه، انقیاد، تقابل، کشمکش، هم‌سازی، تجزیه، تمایز و تفکیکی نسبتاً مشخص» (بیرو، ۱۳۶۶، ص ۳۸۲).

همه اینها محققان را ترغیب می‌کند تا در خصوص قشربندی اجتماعی به مطالعه و بررسی و تفکر بیشتر بپردازند تا شاید بتوانند با بررسی تلاش‌های اندیشمندان بزرگ، پیامدهای نامطلوب آن را کاهش دهند. «وظیفه پژوهش‌های قشربندی این است که شکل و حدود مرزهای این گروه‌بندی‌های اجتماعی را مشخص کنند، فرایندهایی را توصیف کنند که افراد بر اساس آنها در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت قرار می‌گیرند و سازوکارهای نهادی ایجاد و حفظ نابرابری‌های اجتماعی را بر ملا کنند» (آوتویت، باتامور، ۱۳۹۲، ص ۷۳۵).

۱.۲. تعریف قشربندی اجتماعی

گفته شد تعریف پدیده‌ها در جامعه‌شناسی از تنوع بسیار برخوردار است؛ چه اینکه هر فرد جامعه‌شناسی از منظر خاص خود به آنها می‌نگرد. در عین حال شاید بتوان با کنار هم قرار دادن ابعاد و مفاهیم مشترک تعریف‌ها، به تعریفی جامع‌تر رسید که اصول و ویژگی‌های آن پدیده را به تصویر بکشد و به شناسایی حداکثری موضوع کمک کند. برای آشنایی با مفهوم قشربندی اجتماعی ابتدا دیدگاه متفکران مسلمان و سپس بیان جامعه‌شناسان غربی را بررسی می‌کنیم.

متفکران اجتماعی مسلمان را می‌توان به دو گروه متقدم و متأخر تقسیم کرد. منظور از متفکران اجتماعی متقدم آنها هستند که در میانه عصر فارابی و ابن‌خلدون می‌زیسته‌اند و متأخران متفکرانی از عصر سیدجمال‌الدین اسدآبادی به این سو هستند.

اندیشمندان متقدم مسلمان غالباً تحت‌تأثیر آرای فیلسوف اجتماعی، فارابی، قرار داشته‌اند که به معلم ثانی معروف است. فارابی نیز خود از افکار افلاطون تأثیر پذیرفته است. متفکران مسلمان متأخر غالباً تحت‌تأثیر افکار اندیشمندان و جامعه‌شناسان غربی بوده‌اند؛ اما به سنت

تفکر اجتماعی مسلمانان نیز همچنان وفادار بوده‌اند. شاید بتوان گفت هر دو گروه متقدم و متأخر کوشیده‌اند اندیشه اجتماعی خود را بومی‌سازی کنند.

متفکران مسلمان متقدم غالباً به ابعاد ساختاری نابرابری اجتماعی توجه کرده و آن را بر پایه معیار تقسیم کار یا منزلت اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند؛ اما متفکران متأخر نگاه چندگانه‌گرایی به قشربندی داشته و به عوامل متعدد فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی توجه کرده‌اند. نگاه متقدمان و متأخران به پیامدهای قشربندی نیز متفاوت است؛ اما توجه گروه دوم به این مسئله بیشتر بوده است.

باید به این نکته مهم توجه داشت که تقریباً هیچ تعریف مشخصی از قشربندی و نابرابری اجتماعی و دیگر مفاهیم مرتبط با آن در آثار متفکران مسلمان وجود ندارد؛ از این رو تنها می‌توان با مطالعه افکار آنها در این زمینه به تعریفی استنباطی رسید. در نگاهی جامع به دیدگاه اندیشمندان مسلمان، شاید بتوان قشربندی اجتماعی را چنین تعریف کرد: «سلسله‌مراتب موجود در میان گروه‌های مختلف جامعه که ناشی از عوامل گوناگون طبیعی، فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است.» دیدگاه متفکران مسلمان در خصوص نابرابری‌های اجتماعی در فصل چهارم به‌طور مشروح بحث و بررسی شده است.

برخلاف متفکران مسلمان که غالباً مفاهیم اصلی مرتبط با نابرابری اجتماعی را به‌طور مشخص تعریف نکرده‌اند، اندیشمندان غربی به تعریف آنها اهتمام ورزیده‌اند؛ اما بر اثر تکرار تعاریفی که ایشان ارائه کرده‌اند، مشکل عدم وحدت مفاهیم به وجود آمده است؛ مشکلی که ابهام و لغزندگی مفاهیم را از جهت دیگر موجب شده است. با وجود این برای آشنایی بیشتر با مفهوم قشربندی اجتماعی و دیگر مفاهیم مرتبط با آن، ناچاریم به دیدگاه جامعه‌شناسان غربی نیز بپردازیم.

تأکید بر این نکته لازم است که پرداختن به دیدگاه جامعه‌شناسان غربی طی مباحث آینده برای آشنایی خوانندگان محترم با پیشینه بحث از منظر افکار نوین اجتماعی صورت گرفته است. ضمناً باید توجه داشت بدون طرح این مباحث، امکان مقایسه دیدگاه متفکران مسلمان با دیدگاه‌های جامعه‌شناسی نوین فراهم نمی‌شود و مقصود از این مطالعه و امثال آن، که به‌کارگیری افکار متفکران مسلمان در شناخت و حل معضلات جوامع کنونی است، حاصل نمی‌شود؛ به‌خصوص که جوامع مسلمان فعلی به‌شدت تحت‌تأثیر تحولات دنیای غرب‌اند و ما

نیازمند به شناختی چندجانبه از آنها هستیم. بر این اساس به آرای اندیشمندان غربی درباره مفاهیم اصلی قشربندی اجتماعی می‌پردازیم.

گولد و کولب مفهوم قشربندی و قشربندی اجتماعی را چنین توضیح می‌دهند: «قشربندی به معنای عام خود دلالت دارد بر قرار دادن دسته‌ای از اقلام در طول یک پیوستار و گروه‌بندی آن دسته از اقلامی که دارای موقعیت بالنسبه مشترکی هستند بر روی این پیوستار. قشربندی به این معنی عام خود دلالت دارد بر ترتیب یافتن اقلام به‌نحو فوق. در علوم اجتماعی اصطلاح قشربندی معنی محدودتری یافته که عبارت است از فرایندی که از طریق آن یا ساختار حاصله بر اثر این فرایند، خانواده‌ها از یکدیگر تفاوت پیدا می‌کنند و بر طبق درجات مختلف، حیثیت و یا ثروت و یا قدرت در قشرهایی رتبه‌بندی شده قرار می‌گیرند» (گولد و کولب، ۱۳۹۲، ص ۶۶۵).

از نظریان رابرتسون قشربندی اجتماعی عبارت است از: «نابرابری تمامی اقشار مردم که در نتیجه داشتن پایگاهی در سلسله مراتب اجتماعی، دستیابی متفاوتی به مزایای اجتماعی دارند» (رابرتسون، ۱۳۷۴، ص ۲۰۳).

تعریف آلن بیرو از قشربندی اجتماعی چنین است: «فرایندی است که از طریق آن، اعضای یک جامعه و گروه‌هایی که تشکیل‌دهنده آن‌اند به‌صورت لایه‌ها و قشرهایی، همانند آنچه در سطوح مختلف چیده می‌شود، بر روی هم جای می‌گیرند. قشربندی در معنایی عام‌تر، نتیجه چنین سازمانی را مشخص می‌کند» (بیرو، ۱۳۶۶، ص ۳۸۱). پارسونز می‌گوید: «قشربندی اجتماعی عبارت است از رتبه‌بندی متفاوت افراد انسانی که تشکیل‌دهنده یک نظام اجتماعی هستند و نگرستن به آنان به‌صورت زیردست و زبردست در ارتباط با یکدیگر از جهات معینی که از لحاظ اجتماعی حائز اهمیت است» (گولد و کولب، ۱۳۹۲، ص ۶۶۵). نظر گیدنز این است که «قشربندی را می‌توان به‌عنوان نابرابری‌های ساختارمند میان گروه‌بندی‌های مختلف مردم تعریف کرد» (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۲۱۹).

حال اگر بخواهیم تعریف‌های نسبتاً متفاوت بالا را در تعریفی جامع گرد آوریم، شاید بتوان گفت قشربندی اجتماعی بیانگر ساختاری از نابرابری اجتماعی است که برخورداری افراد از فرصت‌ها و امتیازات اجتماعی و میزان تأثیرگذاری آنها بر جامعه را مشخص می‌سازد. تصویر رتبه‌بندی در این ساختار به‌شدت متأثر از نگاه جامعه به ارزش‌هاست.

۲.۱.۱. ویژگی‌های قشربندی اجتماعی

جامعه‌شناسان به حسب نوع نگاه خود به قشربندی اجتماعی برای آن ویژگی‌هایی ذکر کرده‌اند که فهرست‌وار ذکر می‌شود. ملوین تامین پنج ویژگی اصلی برای قشربندی اجتماعی برمی‌شمارد:

۱. خصلتی اجتماعی دارد، یعنی منشأ آن بیرون از فطرت انسان است؛
۲. پدیده‌ای قدیمی است، یعنی در تمامی جوامع گذشته وجود داشته است؛
۳. پدیده‌ای جهانی است؛
۴. صورت‌های گوناگون دارد؛
۵. مجموعه پیامدهای مشخصی دارد؛ یعنی نابرابری اجتماعی اساساً نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌ها و امکانات مهم و مطلوب و نایاب در زندگی انسان است (نک: تامین، ۱۳۷۳، ص ۲۳-۲۴).

پارسونز نیز بر اساس دیدگاه کارکردگرایانه خود سه ویژگی دیگر را ذکر کرده است:

۱. قشربندی اجتماعی، برای تمامی نظام‌های اجتماعی، اساسی شناخته می‌شود؛
۲. قشربندی اجتماعی را می‌توان نه از جنبه سبب‌سازی تعارض و کشمکش، بلکه از جنبه کارکرد ویژه آن برای وفاق اجتماعی، مطرح کرد؛
۳. در هیچ جامعه‌ای رده‌بندی بر پایه یک معیار صورت نمی‌پذیرد؛ بلکه خویشاوندی و ثروت و قدرت معیارهایی هستند که بر اساس آن‌ها رده‌بندی (قشربندی اجتماعی) صورت می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۷۳۲).

۲.۲. مفهوم طبقه از نظر جامعه‌شناسان

یکی از موضوعاتی که در مبحث قشربندی اجتماعی بررسی شده، نسبت مفاهیم و مقولات مشابه است. «طبقه» و «نابرابری» دو مفهوم یا مقوله‌ای است که در مباحث قشربندی اجتماعی غالباً از آن در کنار «قشر» استفاده می‌شود. اما آیا این مفاهیم یکی هستند یا خیر؟

گفتنی است مفاهیم مربوط به قشربندی اجتماعی در مباحث اندیشمندان مسلمان، به صورت متمایز، بحث و بررسی نشده است. اگر نمونه‌ای از اشاره به این تمایزات در آثار اندیشمندان متأخر مسلمان یافت شود نیز تابع همان تفکیک‌هایی است که در مباحث